[گزیده‌ای از ویژگی‌های مرحوم آیه‌الله اعرافی از زبان آیه‌الله اعرافی 2](#_Toc465840591)

[اهتمام ویژه به شب‌زنده‌داری 2](#_Toc465840592)

[ارتباط با فقرا و مستمندان در کمال رعایت حفظ احترام 3](#_Toc465840593)

[جدیت در امر به معروف و نهی از منکر 4](#_Toc465840594)

[شجاعت و نشاط جوانی در طول دوران زندگی 4](#_Toc465840595)

[هدایت‌گری جامعه 5](#_Toc465840596)

[اعتقاد خاص به حضرت امام خمینی 5](#_Toc465840597)

# گزیده‌ای از ویژگی‌های مرحوم آیت‌الله اعرافی از زبان آیت‌الله اعرافی

به مناسبت سالگرد ارتحال مرحوم آیت‌الله اعرافی از بنده درخواست شده تا مطالبی را عرض کنم. در زندگی آیت‌الله اعرافی به نظر می‌رسد خصوصیاتی دیده می‌شده که برای جامعه‌ی ما و درس گرفتن قابل‌توجه است. در دقایقی که در خدمت شنوندگان عزیز هستم، نکاتی را عرض می‌کنم.

## اهتمام ویژه به شب‌زنده‌داری

یکی از ویژگی‌های شخصی ایشان موردتوجه بود و باید از آن درس گرفت، بعد عبادی خصوصاً شب‌زنده‌داری این عالم بزرگ بود. تا حدودی که من اطلاع دارم ایشان مقید به شب‌زنده‌داری و بیدار شدن قبل از اذان صبح بودند. همان‌طور که می‌دانید در روایات، بر شب‌زنده‌داری و تهجد و بیداری پاسی از شب، خصوصاً قبل از اذان صبح تأکیدات زیادی شده است و برای بیدار بودن این وقت بسیار بافضیلت، با یاد و ذکر خداوند، در روایات ما آثار و فضائل فراوانی ذکرشده است و از سیره‌های خیلی جدی علما و بزرگان دین ما در زندگی خود، شب‌زنده‌داری و توجه خاص به نماز شب و ذکر و یاد خدا خصوصاً قبل از اذان صبح و ادای نماز صبح به هنگام و اول وقت بوده است. این خصوصیت که یکی از سنت‌های دین ما و اسلام هست، در زندگی ایشان موردتوجه خاص بود و شاید در طول سال‌های سال و چهل پنجاه سال، از دوران جوانی و تحصیلات خود را چه در یزد، چه در مشهد، چه در قم و چه در یزد و میبد که بودند، همیشه این شب‌زنده‌داری خودشان را حفظ کردند و واقعاً انس باصفا و یاد خدا را به همراه داشتند که ان‌شاءالله موردتوجه همه‌ی ما قرار بگیرد و سعی کنیم حداقل پاره‌ای از شب، هفته‌ای یک‌شب، شب‌زنده‌داری و اقامه‌ی نماز شب را فراموش نکنیم.

## ارتباط با فقرا و مستمندان در کمال رعایت حفظ احترام

در زندگی اجتماعی ایشان هم نکاتی به چشم می‌خورد که برخی از این نکات، برجستگی خاص دارد و قابل‌تأمل هست. یکی از ارزش‌هایی که در سیره‌ی عالمان دین و بزرگان ما همواره موردعنایت بوده و در احادیث ائمه‌ی معصومین: هم به آن سفارش شده این است که عالمان دین باید با فقرا و مستمندان حشرونشر داشته باشند و دست‌خوش هواها و هوس‌های ثروتمندان قرار نگیرند و این وظیفه‌ی صاحبان ثروت هست که به خدمت عالمان دین بروند و از آن‌ها الهام و درس بگیرند و عالمان دین باید آن‌ها را هدایت کنند نه این‌که تحت تأثیر آن‌ها قرار بگیرند. سیره‌ی معصومین ما هم همین بوده که نسبت به طبقات پایین جامعه و مستمندان جامعه ارزش‌گذاری، احترام و اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. این‌یکی از ارزش‌های مهم دینی و از شئونات عالمان دین ما در طول تاریخ بوده و انحراف از این نکته هم منشأ خسارت‌های زیادی برای روحانیت است. در این زمینه فکر می‌کنم که سیره‌ی آیت‌الله اعرافی برای ادامه‌ی این روش پسندیده بسیار قابل‌توجه باشد. ایشان در ارتباط با دیگران واقعاً برای فقرا و مستمندان و طبقات ضعیف جامعه ارزش خاصی قائل بودند و با احترام رفتار می‌کردند؛ نه با ترحم و دلسوزی‌های تحکم‌آمیز؛ بلکه حقیقتاً برای یک کشاورز ساده و کسی که تمکن مالی نداشت، احترام خاصی قائل بودند. اگر امکان داشت، به آن‌ها کمک می‌کردند و به‌هرحال کرامت انسانی انسان‌ها بخصوص فقرا را حفظ می‌کردند. گاهی حتی بیش از افراد ثروتمند، برای افراد مستمند ارزش قائل بودند. این نکته‌ای هست که باید موردتوجه علمای دین و دولت‌مردان باشد که به تعبیر امام ما هرچه داریم از این طبقات هست و طبقات بالا باید خود را در خدمت عموم جامعه و توده‌های مردم قرار دهند. ایشان در ارتباط با دیگران و عموم جامعه، خیلی جدی به این نکته عمل می‌کردند و از همین جهت است که در مقابل افراد پول‌دار و متمکنی که گاهی به خطا می‌رفتند و حالت زورگویی و تجاوز به حقوق جامعه داشتند، ایشان باکمال شجاعت و شهامت، برخورد می‌کرد و حتی قبل از انقلاب هم همین‌طور بود و در طول انقلاب هم همین روش مردمی و پسندیده‌ای که از اولیاء دین خود فراگرفته بودند، در زندگی ایشان استمرار داشت که امیدواریم که روحانیت و دولت‌مردان و جامعه‌ی ما به این نکته توجه داشته باشند.

## جدیت در امربه‌معروف و نهی از منکر

یک ویژگی دیگری که می‌توان به‌صورت برجسته در زندگی ایشان سراغ گرفت، اهتمام ایشان به مسئله‌ی امربه‌معروف و نهی از منکر بود. ایشان واقعاً به‌تمام‌معنا به امربه‌معروف و نهی از منکر و بازداشتن افراد از گناه، هر گناهی که باشد، کمال جدیت را داشتند و رعایت حیاهای بی‌جا نمی‌کردند و آنچه را که حق بود و تشخیص می‌دادند که باید اجرا شود و دستور الهی است، آن را باکمال صراحت ابلاغ می‌کردند و هیچ باکی نداشتند که از امربه‌معروف و نهی از منکر در زمینه‌های مختلف و با نمونه‌های زیادی که دارد، ایشان در مقابل گناه حساسیت خاصی داشتند و مقابله می‌کردند و واقعاً از آن‌کسانی بودند که در قرآن هست که آمر به معروف و ناهی از منکر هستند.

## شجاعت و نشاط جوانی در طول دوران زندگی

از خصوصیات دیگری که می‌شود در زندگی ایشان پیدا کرد و از آن درست گرفت، شجاعت خاصی بود که در برخوردهای اجتماعی و زندگی سیاسی خود داشتند. ایشان به‌تمام‌معنا یک عالم شجاع بودند و حتی در سنین پیری و در سنین 60-70 سالگی و بالای 70 سالگی که در دوره‌ی انقلاب بود، واقعاً آن نشاط و شجاعت جوانی را داشتند. علیرغم کسالت و پیری،‌ درعین‌حال آن نشاط را داشتند. در دیداری که با مقام معظم رهبری داشتم‌، ایشان این را فرمودند: وقتی من در تبعید بودم و مرحوم آیت‌الله اعرافی به دیدار بنده آمده بودند، من از شجاعت و نترسی ایشان در آن سن واقعاً تعجب می‌کردم و احساس می‌کردم که یک جوان بانشاط و شجاع در مقابل من هست. این خصوصیت در زندگی ایشان بود و واقعاً هم بزرگان دین ما و اصحاب پیامبر و ائمه‌ی معصومین: در راه اجرای دستورات دینی، شجاع بودند. شجاعت از فضائل اخلاقی است و منشأ حفظ دین و ارزش‌ها در دین است. این خصلت در ایشان بجسته بود و حتی در کهولت سن هم باز همان شجاعت و دلیری در راه خدا، در زندگی ایشان مشاهده می‌شد.

## هدایت‌گری جامعه

در هدایت و ارشاد جامعه ایشان فوق‌العاده کوشا بودند و از خود و وجود خود به‌تمام‌معنا برای ارشاد و هدایت مردم، مایه می‌گذاشتند و درواقع یک مبلغ ساده و عادی نبود. باز این تعبیری است که مقام معظم رهبری از ایشان شنیدم که مرحوم آقای اعرافی، یک آخوند معمولی نبود و رهبری می‌کرد. واقعاً همین‌طور بود و در جامعه نفوذ زیادی داشت و حالت ارشاد ایشان یک ارشاد معمولی نبود؛ هدایت و رهبری جدی در فضایی کار و تبلیغ، داشت.

## اعتقاد خاص به حضرت امام خمینی(ره)

در ارتباط با حضرت امام(ره) فکر می‌کنم از نخستین شخصیت‌هایی است که نسبت به امام حالت اطاعت و وفاداری و تسلیم واقعی داشتند و ارزش کار امام را سال‌های قبل از انقلاب، تأکید داشتند و روی مرجعیت حضرت امام خصوصاً بعد از رحلت آیت‌الله حکیم، در استان و شهر میبد تأکید خاصی داشتند و یادم هست که به خیلی از علما و دوستان خود تأکید می‌کردند که مسئله‌ی مرجعیت، مردم را باید به امام ارجاع داد و امام تنها کسی است که می‌تواند از دین اسلام و از کیان جامعه و این کشور دفاع کند و این وظیفه‌ی علماست که بر محور امام بچرخند و از ولایت و رهبری و مرجعیت ایشان، حمایت جدی داشته باشند.